



Propellant of Partisanship Development in the Islamic Republic of Iran

10.30495/PIR.2023.1972024.3572

Arian Manesh Mohammad¹, Ghasemi Hakem², Ghorbanzadeh Savar Ghorban Ali³

Received:2022/10/19
Accepted:2022/11/22

Research Article

Abstract

Political parties in Iran are carriers of socio-political characteristics and historical backgrounds which, in an unwanted combination, instead of becoming a factor for development, have hindered its realization. Although there have been many theoretical studies about the characteristics and obstacles of the party system in Iran; about the "propellant of partisanship based on different variables in the four constructions; Including the role of agency of the government, society, social groups, and political parties, no study has been done so far. Considering this lack, the basic question of this article is what are the driving forces for the development of political parties in the republic? The hypothesis obtained in this research is that the most important drivers are strengthening the democratic structure of power and political freedoms, strengthening party discourse, strengthening social capital, developing civil society institutions, party independence, developing a culture of participation and collective work, facilitating the circulation of political elites, legality, and transparency. The structure of parties and their supervision. The theoretical framework used in this research is prospective research, which has been analyzed using library methods, questionnaires, and the use of Micmac software. The most important finding of this research is the discovery and description of the drivers of party development.

Keywords: Futurism; Islamic Republic of Iran; Mutual effects questionnaire; Propellant of partisanship; Political parties

Arian Manesh, M., Ghasemi, H., & Ghorbanzadeh Savar, G. A. (2022). Propellant of Partisanship Development in the Islamic Republic of Iran. *International And Political Research Quarterly*, 14(53), pp. 75-91.

¹ Ph.D. Candidate, Political Science, Iran Issues, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran\ m.aryanmanesh@gmail.com

² Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran (**corresponding author**) ghasemi@ikiu.ac.ir

³ Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran ghorbanzadeh@ikiu.ac.ir



پیشران‌های توسعه حزب در جمهوری اسلامی ایران

10.30495/PIR.2023.1972024.3572

محمد آراین منش^۱، حاکم قاسمی^۲، قربانعلی قربان‌زاده‌سوار^۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

چکیده

احزاب سیاسی در ایران، حامل ویژگی‌های سیاسی-اجتماعی و پیشینه تاریخی می‌باشند که در هم‌افزایی ناخواسته، به‌جای تبدیل شدن به عاملی برای توسعه، مانع محقق شدن آن بوده‌اند. اگرچه درباره ویژگی‌ها و موانع نظام حزبی در ایران، پژوهش‌های نظری زیادی صورت گرفته است؛ اما درباره «پیشران‌های توسعه بر اساس متغیرهای مختلف در ساخت‌های چهارگانه؛ شامل نقش عاملیت دولت، جامعه، گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی، تاکنون مطالعه‌ای انجام نشده است. با توجه به این فقدان، پرسش اساسی این نوشتار این است که پیشران‌های توسعه احزاب سیاسی در جمهوری چیست؟ فرضیه به‌دست آمده در این پژوهش این است که مهم‌ترین پیشران‌ها، تقویت ساختار دموکراتیک قدرت و آزادی‌های سیاسی، تقویت گفتمان حزب، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه نهادهای جامعه مدنی، استقلال احزاب، توسعه فرهنگ مشارکت و کار جمعی، تسهیل گردش نخبگان سیاسی، قانونمندی و شفافیت ساختار احزاب و نظارت بر آن‌ها می‌باشد. چارچوب نظری مورداستفاده در این پژوهش، آینده‌پژوهی است که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای، پرسش‌نامه و استفاده از نرم‌افزار میک‌مک داده‌های به‌دست آمده تجزیه و تحلیل شده است. کشف و توصیف پیشران‌های توسعه احزاب، مهم‌ترین یافته این پژوهش است.

واژگان کلیدی: احزاب سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، پیشران‌های توسعه حزب، پرسش‌نامه اثرات متقابل،

آینده‌پژوهی

آراین منش، محمد؛ قاسمی، حاکم؛ قربان‌زاده‌سوار، قربانعلی (۱۴۰۱). پیشران‌های توسعه حزب در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۳، صفحات ۹۱-۷۵.

¹ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. m.aryanmanesh@gmail.com

² دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول) ghasemi@ikiu.ac.ir

³ استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران ghorbanzadeh@ikiu.ac.ir

مقدمه

احزاب سیاسی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای جامعه‌پذیری سیاسی و همچنین در قالب منبع مؤثری برای سرمایه اجتماعی، در دستیابی به توسعه نقش مهم و مؤثری داشته‌اند. نقش این نهادها در مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام حکمرانی، یکپارچگی و انسجام ملی، مدیریت منازعات و جامعه‌پذیری سیاسی تنها بخشی از کارکردهای این سازمان‌ها در مسیر توسعه سیاسی است. در ایران؛ علی‌رغم تجربه بیش از یک سده تحزب، با عبور از بحران‌ها و فرازوفروود فعالیت حزبی؛ هنوز هم نمی‌توان از حضور احزاب سیاسی به معنای واقعی کلمه سخن گفت. پژوهش‌های بسیاری درباره چرایی این مسئله و پیامدهای آن به نگارش درآمده است که مخرج مشترک همه آن‌ها عدم توسعه و پیشرفت نظام حزبی در ایران بوده است.

با درنظرگرفتن چنین پژوهش‌هایی هدف این مقاله پرداختن به دشواری تحزب در ایران با شیوه جدید و از منظری دیگر است. اینک به لطف مطالعات آینده‌پژوهی و ابزارها و روش‌های مختلف آن، امکان پژوهش‌های کلان‌نگر فراهم گردیده است. پژوهش پیشرو با استفاده از امکانات نظری و مفهومی آینده‌پژوهی، به عوامل مؤثر در توسعه نظام حزبی در ایران پرداخته است. بر اساس چنین چشم‌اندازی، از آنجاکه پس از انقلاب اسلامی، احزاب سیاسی ساخت و ویژگی‌های جدید و متنوعی یافته‌اند؛ شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت احزاب و شبه احزاب سیاسی در ایران پساانقلاب اسلامی در این پژوهش مورد تأکید می‌باشد. به عبارت بهتر؛ پرسش اصلی این پژوهش پیرامون شناسایی پیشران‌های توسعه نظام حزبی در ایران ساخت گرفته است. برای انجام این پژوهش، قبل از هر چیز با استناد به مطالعات صورت‌گرفته متغیرهای مختلف در ساخت‌های چهارگانه؛ شامل نقش عاملیت دولت، جامعه، گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی دسته‌بندی و ماتریس اثرات متقاطع از درون مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده است. در گام بعد؛ به‌وسیله نظرخواهی و نظرسنجی از نخبگان علمی و سیاسی؛ با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، اثرات متقاطع متغیرهای شناسایی شده مورد پرسش قرار گرفته، تجزیه و تحلیل شده و در نهایت با عنوان «پیشران‌های توسعه حزب» معرفی شده است. توجه به بهبود وضعیت نهادی و همچنین پیوستگی میان ابعاد گوناگون توسعه سیاسی که احزاب، یکی از مهم‌ترین ابعاد آن به شمار می‌رود، از مهم‌ترین ضرورت‌های پژوهش‌هایی از این قبیل است.

۲- پیشینه پژوهش

درباره احزاب سیاسی پژوهش‌های فراوانی از زاویه انتقادی انجام شده است. در قدیمی‌ترین مورد؛ حسین تبریزیا (۱۳۷۱)، در کتاب «برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران»، روند تاریخی و علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران را تبیین نموده است. نویسنده در این پژوهش پس از طرح مبانی و ساختارهای حزبی و تاریخیچه احزاب در ایران به برخی عوامل همچون فقدان تجربه در مشارکت سیاسی، فرهنگ سنتی، سواد و بینش توده‌ها، نقش حاکمیت متمرکز امپریالیستی، وابستگی ایدئولوژی سیاسی مرامنامه‌ها و لیدرها و عدم تقارن توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی اشاره کرده است. نقیب‌زاده و سلیمانی (۱۳۸۸)، در مقاله «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد هانتینگتون» به ارزیابی فعالیت‌های حزبی در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته و استدلال می‌نماید که فرایند تحول حزبی در ایران در مرحله گسترش قرار دارد و به مرحله نهادمندی پا نگذاشته است. منصوره اتحادیه و دیگران (۱۳۷۸) به عوامل مختلفی همچون بافت اخلاقی و اجتماعی تاریخی حزب گریز، چپ زدگی، عدم وجود احزاب واقعی، عدم تساهل درون‌حزبی، تمرکزگرایی قدرت، بی‌برنامگی احزاب، وجود نهادهای جانشین مدنی همچون هیئت‌های مذهبی و مناسبت‌های سنتی تاریخ ایران به‌عنوان بخشی از مهم‌ترین عوامل نا کارکردی احزاب سیاسی در ایران اشاره می‌کنند.

بر اساس مطالعات جدیدتر، محسن مدیرشانه‌چی (۱۳۹۲) در کتاب «نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها» به بررسی فراز و نشیب جریان‌های حزبی در ایران از عصر مشروطه تاکنون پرداخته است. نویسنده به سه جریان و تفکر سیاسی عمده چپ، ناسیونالیستی و اسلامی در شکل‌گیری احزاب سیاسی ایران پرداخته و سیر تاریخی آن را توضیح داده است. قلجی و موسوی‌فرد (۱۳۹۳) در مقاله «بازشناسی علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران بر اساس نظریه مبنایی Grounded Theory» با استفاده از نظرات نخبگان سیاسی اجتماعی به بررسی موانع شکل‌گیری تخریب در ایران می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ناکارآمدی احزاب سیاسی در تأمین

منافع مردم و ماهیت تمامیت‌خواه ساختار سیاسی، قوی‌ترین عوامل در این زمینه و ضعف جامعه مدنی، ضعف فرهنگ سیاسی جامعه و سازوکارهای قانونی و تقابل ایدئولوژیک تحزب با مبانی دینی از جمله دیگر عوامل قابل‌اشاره هستند. در نهایت پایان‌نامه حسین‌پور (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی ناپایداری فعالیت احزاب در ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی» دلایلی چون ضعف فرهنگ تحزب، قائم به شخص بودن حزب، ضعف طبقه متوسط، عوامل ساختاری، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، قانونی، روحیه فردگرایی و خودمحوری و شکاف‌های اجتماعی را از مهم‌ترین دلایل ضعف نظام حزبی می‌داند.

همان‌گونه که آثار یادشده در بالا پیداست، پژوهشگران مختلف از منظرهای گوناگون به نقد و ارزیابی نظام حزبی در ایران پرداخته‌اند. اما وجه تمایز پژوهش حاضر، وزن‌دهی به متغیرهای موجود در یک رویکرد آینده‌پژوهانه است که توسط نظرسنجی از خبرگان و ابزارهای آینده‌پژوهی انجام شده است.

۳- چارچوب نظری و روش پژوهش

آینده‌پژوهی گریز انسان از وزن گذشته و گزیر انسان از فشار حال با امید به آینده است. گذشته دیگر در دسترس نیست و تنها تجربه‌ها و خاطرات آن است که برجای‌مانده است. تجربه‌هایی که بهایی سنگین را به نسل حاضر و حتی نسل‌های آتی تحمیل خواهد کرد. زمان حال به سرعت در حال گذر است و عدم اهتمام به آینده، به‌عنوان تنها فرصت باقی‌مانده برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور می‌تواند بهای گزاف را بر حکومت و ملت تحمیل نماید؛ بنابراین در شرایط عدم قطعیت کنونی و مجال اندک آینده، تنها رویکردی که احتمال موفقیت و کامیابی دارد؛ شناسایی مناظری از آینده و تلاش برای معماری آن است (بل، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴). مهم‌ترین ویژگی آینده‌پژوهی ترکیب همگون جزء و کل، گذشته و حال، تداوم و تغییرها در بررسی پدیده‌ها است.

آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی گسترده که موضوع اصلی آن شناخت آینده‌ها به‌صورت روشمند و سیستماتیک است در سیر تکوینی خود با حوزه‌های دیگری مانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تلفیق یافته است و منجر به شکل‌گیری گرایشی از مطالعات آینده‌پژوهی شده است که می‌تواند به‌عنوان چشم‌انداز نظری مورداستفاده پژوهشگران قرار گیرد. از منظر آینده‌پژوهی، مهم‌ترین فعالیت نظری و روشمند، یافتن پیشران‌ها در هر علمی است. منظور از پیشران‌ها نیروهای عمده شکل‌دهنده به آینده است. پیشران‌ها، نیروهای پیش‌برنده و محرکی است که باعث تغییر و ایجاد وضعیت جدید در آینده می‌شود؛ لذا، درک و دریافت آن‌ها ضرورت دارد.

اما نکته مهم و قابل‌تأمل در آینده‌پژوهی و کشف پیشران‌ها این است که این یک فعالیت نظری و کاملاً توصیفی است که محقق را به انجام پژوهش‌های میدانی سوق می‌دهد. برای کشف پیشران‌ها و متغیرهای مؤثر درباره موضوع مورد مطالعه، بهترین روش رجوع مستقیم به منابع در دسترس و خبرگان است. همین مسئله هر پژوهش مبتنی بر آینده‌پژوهی را به مرجعی برای مطالعات بعدی برای رد و یا تأیید فرضیه‌ها تبدیل می‌کند و از چنین منظر می‌تواند باب گفتگو پیرامون مسائل مهم در جامعه را بگشاید.

بر همین اساس هدف این پژوهش، فراتر از نقد وضعیت تحزب در ایران، توصیف و اکتشاف پیشران‌هایی است که توسعه نظام حزبی را مدنظر دارد. در گام نخست فهرستی اولیه از متغیرهای مؤثر بر فعالیت احزاب سیاسی با روش کتابخانه‌ای تهیه گردید که در قالب ۳۴ متغیر و به‌صورت پرسش‌نامه‌ای در اختیار خبرگان دانشگاهی، حزبی/سیاسی و فعالین فرهنگی/رسانه‌ای قرار گرفت. در این گام میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها که در چهار حوزه تقسیم‌بندی شده است در قالب طیف لیکرت و فارغ از نوع اثرگذاری مثبت یا منفی مورد سنجش توسط نرم‌افزار SPSS قرار گرفت.

در مرحله بعد ۱۳ متغیر که بیشترین اثرگذاری را داشته‌اند در قالب پرسش‌نامه تحلیل اثرات متقاطع تشکیل و برای خبرگان ارسال گردید. در این بخش از خبرگاه خواسته شد تا متغیرها بر حسب میزان اثرگذاری متغیرها در طیفی چندگزینه‌ای (۰ = بدون تأثیر، ۱ = تأثیر کم، ۲ = تأثیر متوسط، ۳ = تأثیر زیاد، P = تأثیر بالقوه) مورد ارزشیابی قرار گیرند. نتایج حاصل از پرسش‌نامه خبرگان کدبندی شد و در محیط نرم‌افزار میک‌مک وارد گردید.

با ورود امتیازها به محیط میک‌مک و نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، متغیرهای مورد ارزیابی در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی گردیدند و چگونگی توزیع آن‌ها در نمودار پراکندگی پژوهش مشخص شد. در ادامه با بررسی میزان اثر وابستگی‌های مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه، فهرستی از پیشران‌های کلیدی که دارای بیشترین میزان اثرگذاری در دستیابی به سناریوهای پژوهش می‌باشند شناسایی شدند و

موارد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، پایداری و ناپایداری و وابستگی متغیرها نیز بررسی شده است. بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای تجزیه و تحلیل داده‌های موجود، می‌تواند مطالعات سیاسی درباره احزاب و نهادهای سیاسی را به چیزی فراتر از انتقاد وضعیت موجود تبدیل کند و زمینه را برای توسعه و تحول در موقعیت کنونی فراهم آورد.

۴- تاریخ حزب و شناسایی عوامل مؤثر بر فعالیت احزاب پس‌انقلاب

با وقوع انقلاب اسلامی دوره تازه‌ای در حیات حزبی جامعه مدنی ایران پدیدار شد. به‌ویژه سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ که ضمن تجدید حیات نیروهای سیاسی پیشین که گرایش‌ها مارکسیستی، ناسیونالیستی و مذهبی داشتند، احزاب و گروه‌های سیاسی جدیدی همچون حزب جمهوری اسلامی، حزب جمهوری خلق مسلمان و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، پای به میدان گذاشتند (هرسیج، ۱۶:۱۳۸۰). سه ویژگی این دوره عبارت است از: نخست، تغییرات ساختاری رژیم سیاسی که توأم با تغییر رژیم گردید؛ دوم، برخوردار شدن طبقه روحانیت از یک تشکیلات منسجم، رسمی و قدرتمند و سوم، نمایندگی آرا و اندیشه‌های مختلف در احزاب و جریان‌های سیاسی به‌نحوی که به جز سلطنت‌طلبان تقریباً مجموعه کامل و فراگیری از همه جریان‌های سیاسی در این دوره ایجاد گردید که البته دوام چندانی نیافت و با آغاز جنگ هشت‌ساله دوره‌ای از فترت و رکود در فعالیت احزاب سیاسی را شاهد هستیم که با حذف برخی از احزاب و جریانات سیاسی وقت ایران همراه است. اگر چه در دوره موسوم به سازندگی و در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بارقه‌هایی از آغاز دوره دیگری از فعالیت احزاب شکل گرفت؛ اما اوج این دوران در فاصله سال‌های دولت اصلاحات بود.

در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴، احزاب سیاسی جدید و قدرتمندی همچون حزب مشارکت ایران اسلامی شروع به فعالیت نمودند. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). اگرچه به لحاظ تعداد، شاهد افزایش در فعالیت احزاب در این برهه تاریخی هستیم؛ اما اولاً بسیاری از احزاب و جریان‌های سیاسی سابقه، امکان فعالیت مجدد نیافتند و ثانیاً احزاب و گروه‌های نوپدید در این دوره توان نمایندگی خاستگاه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را نداشتند. این وضعیت پس از سال ۱۳۸۸، به‌گونه‌ای تشدیدشونده کماکان تا امروز ادامه یافته است.

باتوجه به این تجربه تاریخی؛ برای استخراج پیشران‌های توسعه حزب، به چهار ساخت توجه شده است. اول از همه ساخت سیاست است که بر شکل نظام سیاسی و قانونی دلالت دارد. دوم ساخت فرهنگی - اجتماعی جامعه است که بر ویژگی‌های جامعه‌شناسانه از منظر فرهنگی توجه کرده است. از آنجاکه برای استخراج پیشران‌ها نباید به متغیرهای تک عاملی تکیه نمود، تعاملات احزاب با دولت و جامعه به‌عنوان متغیر سوم و مناسبات درون‌حزبی به‌عنوان عامل چهارم مورد شناسایی قرار گرفته است.

۴-۱- عوامل سیاسی مؤثر بر احزاب

مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده بر سرشت احزاب سیاسی، ساخت سیاست و شکل دولت است. بررسی هر مطالعه‌ای درباره احزاب، به توجه به چنین پیش‌زمینه سیاسی وابسته است. نکته مهم آن است که ساخت سیاسی در ایران، ویژه و منحصر به فرد است و به همین دلیل که از آن تحت عنوان «نظام هیبریدی» یاد می‌کنند که مولفه‌های نظام‌های سیاسی گوناگون را در خود جای داده است. این ویژگی‌های گوناگون در نظام سیاسی جمهوری اسلامی سبب شده است که در معرض نقدها و در مواردی اتهام‌هایی قرار گیرد که هرگونه شکست و ضعف در نظام حزبی را نشئت گرفته از آن می‌داند. اگرچه ساخت دولت و نحوه اداره امور عمومی بر وضعیت احزاب سیاسی اثرگذار است، اما نکته مهم آن است که نمی‌بایست درباره این اثرگذاری دچار افراط و یا تفریط شد. چرا که ساخت سیاسی تنها یکی از عوامل مؤثر در اثرگذاری بر احزاب است.

در مهم‌ترین سند قانونی نظام جمهوری اسلامی و بنا بر اصل ۲۶ قانون اساسی، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، آزادند، منوط به این که اصول استقلال، آزادی، دولت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: اصل ۲۶). با این‌همه در سال ۱۳۹۵ قانون جدید نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی ابلاغ

گردید که در تبصره ۲ ماده ۲ این قانون، احزاب موظف به رعایت موازین اسلامی شده‌اند. بر اساس ماده چهار همین قانون اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه به‌عنوان شرط عضویت اعضا آمده است که بر قیدهای اصل قانونی سند مادر افزوده است. همچنین جهت تشکیل و نظارت بر عملکرد احزاب طبق ماده ده این قانون، کمیسیونی پیش‌بینی شده است که از میان هفت عضو آن، تنها دو عضو از احزاب سیاسی بوده و مابقی عبارت از مقامات اجرایی کشور هستند که اختیارات گسترده‌ای مطابق ماده یازده این قانون بر عهده دارند (قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، ۱۳۹۴). این تبصره‌ها و مواد قانونی می‌تواند عامل سیاسی مهمی بر فعالیت احزاب به شمار رود. البته در همه انواع نظام سیاسی اعتقاد و التزام به نظام سیاسی مهم‌ترین رکن برای فعالیت سیاسی است و طبیعی است که برای حضور و مشارکت سیاسی در سطوح بالا و به‌صورت حزبی، قبل از هر چیز باید به اصول اساسی آن نظام باورمند بود.

به‌جز قانون اساسی، گفته‌ها و تصمیمات رهبران جمهوری اسلامی نیز عامل سیاسی اثرگذاری است. امام خمینی فعالیت حزبی را ضروری دانسته و اشاره می‌کند که احزاب فعال نباید به دولت‌ها وابستگی داشته و ساخته دست آنها باشند. بلکه باید آن‌چنان مجاهدت کنند که یک دولت شایسته از درون آنها برخیزد و امور کشور را به دست گیرد (آیت‌الله خمینی، ۱۳۶۸: ۳۸۹-۳۸۸). در دوره رهبری امام خمینی شاهد حضور نماینده ایشان در تشکل‌ها و احزابی همچون حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز تهران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بودیم.

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های مختلف خود بر فعالیت سیاسی در قالب تشکل‌های سیاسی تأکید کرده‌اند و خود در زمره مؤسسان حزب جمهوری اسلامی قرار داشتند. اما ایشان در خطبه‌های نماز جمعه تهران در سال ۱۳۶۹ ایران را دارای مستقل‌ترین و قوی‌ترین پارلمان و مجلس شورایی می‌دانند که در آن حزبی در کار نیست؛ بلکه جناح‌های سیاسی هستند که بر رأی نماینده مجلس هم سلطه ندارند و فرد خودش به‌صورت آزاد و مستقل انتخاب می‌کند. ایشان انتخابات آزاد برای تعیین رئیس‌جمهور را هم کم‌نظیر می‌دانند که بدون تبلیغات حزبی مردم یک نفر را می‌شناسند و برای مدتی به ریاست‌جمهوری انتخاب می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹). ایشان همچنین در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی در سال ۱۳۷۷ یعنی در آخرین دوره تحزب در ایران معاصر اعلام می‌نمایند که به حزب در معنای صحیح آن معتقد هستند. «لیکن آن چیزی که امروز در جامعه ما می‌گذرد - این تشکیلات حزبی که الان به وجود می‌آید - شکل غلط حزبی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

۲-۴- عوامل فرهنگی و اجتماعی

یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم فعالیت احزاب سیاسی، فرهنگ تضارب آرا و اندیشه‌ها است. آنچه بیشتر در بقایای هنجارهای ایران حاکم است فرمان‌برداری است که کمتر فرصت تضارب اندیشه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر آنچه در عرصه ساختار فرهنگی حاکم است هنجارهای خونی و خانواری، قبیله‌ای و قومی، محله‌گرایی، تقلید و مرید و مرادی است (سالمی قمصری، ۱۳۸۶: ۵۰). رسوخ فرهنگ فرقه‌گرایی و خویشاوندسالاری یکی از موانع تحقق قانون و قانون‌گرایی در جامعه است. علاوه بر آن در ساختار سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و احزاب سیاسی نیز این ویژگی به‌عنوان یکی از موانع توسعه‌ای عمل می‌نماید. همچنین روحیه فردگرایی، انزوگرایی، فردمحوری، تک‌روی که باعث عدم گرد هم‌آیی، اتحاد و تشکیل انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و دیگر نهادهای مدنی می‌شود که پایه‌های اصلی تحزب هستند (سالمی قمصری، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۵). روحیه فردگرایی، مجال کار تیمی و تمرین کار حزبی را از افراد یک جامعه می‌گیرد و با فراهم بودن بستر و شرایط مناسب به جامعه ذره‌ای شکل می‌دهد که ضد توسعه است.

یکی دیگر از ابعاد قابل‌بررسی، عوامل اجتماعی مؤثر بر فعالیت احزاب است. احزاب سیاسی در صورت فراهم بودن شرایط ویژه و مناسب اجتماعی و سیاسی پدید می‌آیند. به عبارتی جامعه مدنی باید به میزانی از رشد و پیچیدگی رسیده باشد که بتواند زمینه بسط و گسترش احزاب به‌عنوان نماینده منافع و علایق گوناگون جامعه را فراهم آورد (فاضلی، عنایتی شبکلائی و نجف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۶). در واقع جامعه مدنی به‌عنوان بستر شکل‌دهنده و پرورش‌دهنده فعالیت احزاب عمل می‌کند.

میزان رشد و بلوغ سیاسی و بینش و آگاهی اجتماعی در اکثریت قابل اتکایی از افراد یک جامعه نیز می‌تواند در گسترش یا محدودیت احزاب سیاسی مؤثر باشد. امروزه به لطف توسعه شبکه‌های اجتماعی زمینه و بستر مناسب برای آگاهی‌بخشی و رشد و بلوغ اجتماعی در جوامع فراهم گردیده است. اما تجربه زیسته و بافت اجتماعی، تاریخی ایرانیان در ادوار مختلف حزب، نوعی تحزب‌گریزی را به جامعه ایرانی تحمیل کرده است. همان گونه که بستر مناسب برای انباشت سرمایه‌های اقتصادی در قالب بنگاه‌های اقتصادی مشارکتی در ایران کمتر فراهم بوده است، احزاب سیاسی هم به‌عنوان محل انباشت سرمایه‌های سیاسی، مجال و امکان رشد و بالندگی نیافته‌اند (اتحادیه و دیگران، ۱۳۷۸: ۸۵).

طبقه متوسط جدید از جمله نیروهای عمده در تحولات سیاسی و اجتماعی قبل و پس از انقلاب اسلامی در ایران است که می‌تواند نقش کلیدی در فرآیند توسعه سیاسی در ایران داشته باشد و احزاب یکی از جلوه‌گاه‌های حضور این نیروی سیاسی است (مسعود و منصورزاده، ۱۳۹۴: ۸۵). حضور و یا عدم حضور طبقه متوسط می‌تواند بر نهادهای جانشین احزاب به‌عنوان یک عامل مؤثر اثرگذار باشد. گروه‌های ذی‌نفوذ مانند روحانیون، گروه‌های فشار و تندرو، نهادهای مذهبی مانند حسینیه‌ها و هیئت مذهبی و در شرایط جدید گروه‌ها و شبکه‌های مجازی به‌عنوان نهادهای جانشین احزاب عمل می‌کنند (اتحادیه، ۱۳۷۸: ۱۱۰). این گروه‌ها دارای قدرت اقتصادی نیز هستند که می‌تواند بر فعالیت‌های حزبی اثرگذار باشد. با ورود دولت و نهادهای حکومتی و حتی گروه‌های اقتصادی قدرتمند به عرصه احزاب و پرداخت هزینه‌های انتخاباتی احزاب سیاسی به‌عنوان یکی از مظاهر فعالیت احزاب، احزاب سیاسی به تدریج از جامعه و گروه‌های اجتماعی جدا شده و تنها هدفشان دسترسی بهتر و بیشتر بر منابع دولتی برای ادامه حیات سیاسی و حرفه‌ای خود است (حسین‌پور، ۱۳۹۵: ۱۰۹). همین مسئله مانع مهمی برای توسعه احزاب و استقلال آن‌ها به شمار می‌رود.

۳-۴- عوامل مرتبط با تعاملات احزاب و جامعه و حکومت

در حوزه تعاملات احزاب سیاسی و حکومت از یک طرف و تعاملات احزاب سیاسی و جامعه نیز به عوامل مختلفی می‌توان اشاره کرد. اول‌ازهمه، ساختار حکومت در دولت‌های دموکراتیک به‌گونه‌ای است که دولت‌ها از طریق فعالیت حزبی و انتخاباتی به قدرت می‌رسند. اما در جوامع غیردموکراتیک به‌گونه‌ای معکوس، احزاب ساخته دولت‌اند و نه سازنده دولت. دولت‌های غیردموکراتیک، احزاب دولتی ایجاد می‌کنند که هم توجیه‌گر قدرت ایشان باشد و هم مانع شکل‌گیری احزاب در قالب انتخابی و گردش نخبگان شود (حسین‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

عدم پشتیبانی و نمایندگی گفتمان‌های غالب در جامعه بر فعالیت احزاب سیاسی از دو جنبه اثر می‌گذارد. از یک سو قدرت بسیج و تدارک جامعه در انواع کنشگری‌های سیاسی را برای ایشان کاهش می‌دهد و از سوی دیگر میزان اعتماد جامعه به ایشان را نیز تقلیل می‌دهد. همان گونه که اشاره شد توانایی احزاب سیاسی در نمایندگی گفتمان‌های متکثر یک جامعه حائز اهمیت است. این برون‌نمایی گفتمانی از سوی دیگر پیوندهای نزدیکی با خاستگاه اصلی احزاب دارد. نخست خاستگاه اجتماعی احزاب است؛ یعنی یک حزب چه طبقه و قشری با چه فرهنگ و هویتی را گرد هم آورده است. دوم خاستگاه روشنفکری احزاب است، به‌رحال شناخته‌شده‌ترین چهره‌های احزاب سیاسی روشنفکران و نخبگان، سازنده رأس هرم حزبی هستند و طبعاً در دسته‌بندی‌های مختلفی می‌توانند قرار گیرند. در نهایت خاستگاه مردمی و توده‌ای احزاب نقش بسیار پررنگی در فرایند گردش قدرت برای آنها دارد.

۴-۴- عوامل مرتبط با ساخت درون‌حزبی احزاب

اگر چه اغلب احزاب سیاسی دارای اساسنامه و مرامنامه حزبی هستند که به‌نوعی نظم‌دهنده نحوه تعاملات درونی آنها است؛ اما عوامل مختلفی از این حوزه نیز بر فعالیت احزاب مؤثر هستند.

اولین ویژگی، ظرفیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی احزاب است. بنا به ساختار قانونی جمهوری اسلامی، شبکه‌های اختصاصی خصوصی جهت فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی پیش‌بینی نشده است. از طرف دیگر شبکه‌های اجتماعی امکان و بستر تعاملات گسترده‌تری را فراهم آورده‌اند که شاید چندان مورد توجه و دقت نظر احزاب نبوده است. از سوی دیگر و به‌ویژه در دهه نخست جمهوری اسلامی،

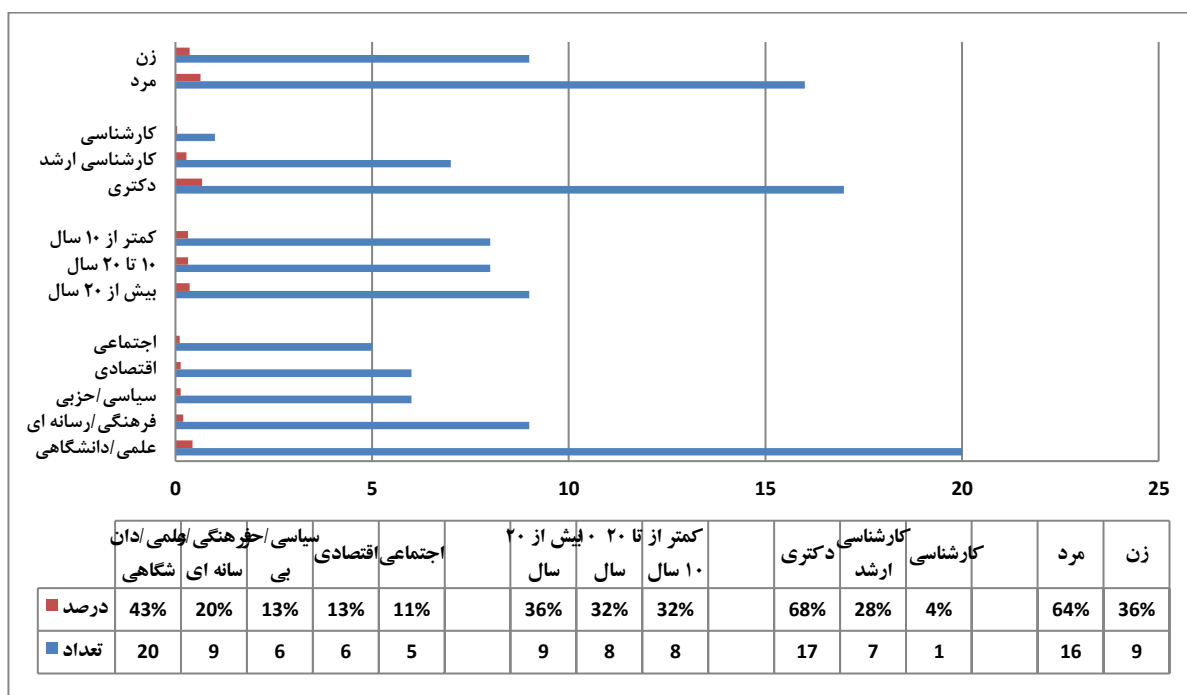
رابطه حزب با مسئله رهبری حائز اهمیت بود. اگرچه بنا بر تاریخ حدوداً چهل ساله رهبری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نقش رهبری دخالتی در نظام حزبی نداشته است، اما احزاب برای مشروعیت‌یابی و دستیابی به قدرت، به‌عنوان مهم‌ترین هدف یک حزب، تلاش کرده‌اند که خود را به رهبر نزدیک نشان دهند. همین مسئله باعث شده است که ساختار درونی احزاب بر مبنای ارتباطات شخصی شکل بگیرد.

از دیگر گزاره‌های مؤثر بر احزاب، شفافیت، ساختار سازمانی و پاسخگویی احزاب سیاسی است. با مشاهده تعدد احزاب و جمعیت‌های سیاسی می‌توان مشاهده نمود که آفت فقدان اعتماد اجتماعی و فقر همبستگی در نهادهای تشکیلی تشکل‌های فراگیر و بزرگ، چگونه مانع گسترش و شکوفایی احزاب گردیده است. (حسین‌پور، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۷). عدم تساهل، رواداری و مدارای درون‌حزبی نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر فعالیت احزاب سیاسی می‌تواند به رسمیت شناخته شود. یکی از راه‌های جلوگیری از کشمکش و منازعه این است که از قبل، بر سر نحوه مدیریت شکاف‌های اجتماعی و نحوه ترکیب مسالمت‌آمیز آنها به تفاهم برسیم (رضائی، ۱۳۸۱: ۱۰۸). علاوه بر همه این‌ها یکی دیگر از مسائل احزاب ایران، احزاب فصلی و موسمی هستند. احزاب سیاسی عمدتاً در دوره نزدیک به انتخابات فعال شده و به کنشگری می‌پردازند و سپس به کما می‌روند و اگر از قضا طیف طرف‌دار آنها موفق باشد مجال حیات می‌یابند. در صورت عدم توفیق پرسشگری و مطالبه‌گری را به کناری نهاده و از حداقل شرایط فراهم شده در قدرت مستفید می‌گردند (حسین‌پور ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۰۶). همین مسئله که با ادبیات‌های گوناگون مطرح شده است، می‌توان یکی از نشانه‌های ضعف نظام حزبی در ایران به شمار رود.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل ۳۶ نفر از خبرگان علمی/دانشگاهی، سیاسی/حزبی و فرهنگی/اجتماعی هستند که به پرسش‌نامه اول (شناسایی عوامل مؤثر بر حزب در ایران) پاسخ دادند. پرسش‌نامه دوم (پرسش‌نامه تحلیل تأثیر متقاطع متغیرها) توسط ۲۵ نفر از پاسخ‌دهندگان مرحله اول، مورد ارزیابی قرار گرفت. در نمودار شماره (۱)، سابقه کاری، سن، جنسیت، حوزه فعالیت (با امکان انتخاب سه گزینه) و تحصیلات مرتبط با خبرگان پاسخ‌دهنده به مرحله دوم مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.



نمودار (۱) تحلیل آماری خبرگان

۲-۵- یافته‌های تحلیلی پژوهش

بر اساس نتایج پرسش‌نامه اول از میان ۳۴ متغیر مورد سنجش، خبرگان به میزان اثرگذاری این متغیرها بر اساس طیف لیکرت پاسخ دادند. مطابق با یافته‌های تحقیق، نتایج در قالب نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. در جدول زیر از میان متغیرهای ۳۴ گانه؛ سیزده متغیر که دارای بالاترین امتیاز استخراج و در پرسش‌نامه دوم مورد سنجش خبرگان قرار گرفت.

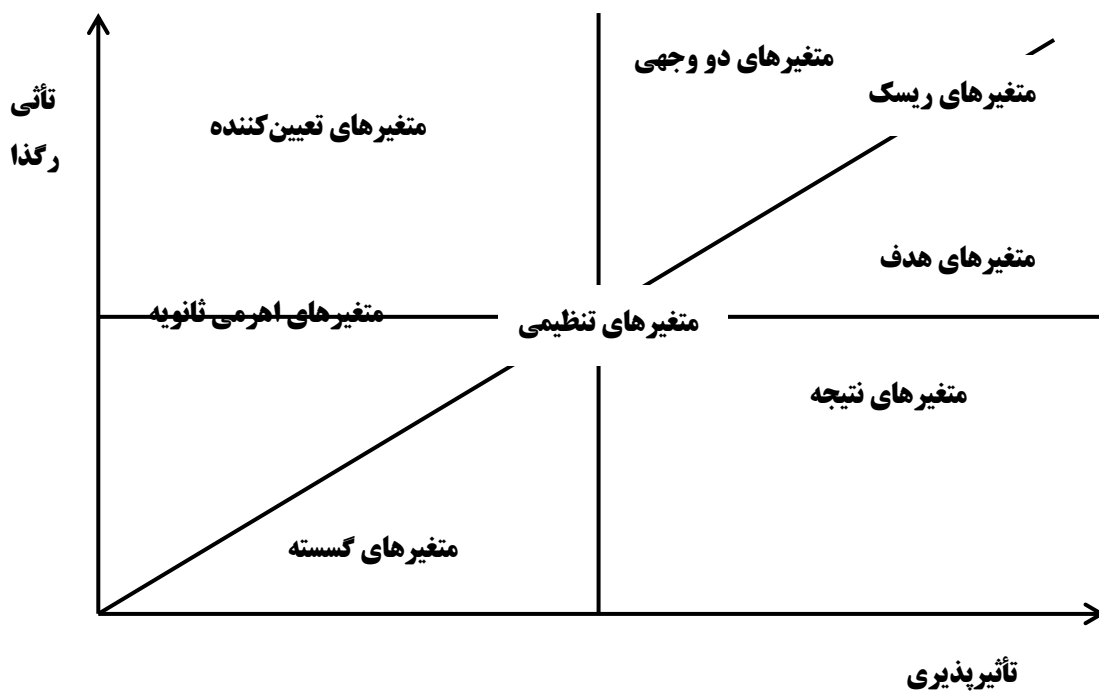
جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای مؤثر بر فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران

متغیر	عنوان	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
A1	ساخت قدرت در جمهوری اسلامی ایران	۳۵	۳.۹۷	۲.۰۸۷
A2	جایگاه قانونی احزاب در ساختار قدرت نظام	۳۶	۲.۲۷۷۸	۱.۵۲۱
A3	گردش نخبگان در درون ساخت دولت	۳۵	۲.۴	۲.۵۴۱
A4	الزامات و محدودیت‌های قانونی احزاب	۳۵	۳.۶	۲.۲۴۷
A5	قانون احزاب	۳۴	۲.۲۹۴۱	۱.۳۰۵
A6	رویکرد مقامات عالی نظام به احزاب	۳۶	۲.۳۳۳۳	۲.۷۴۳
A7	ساختار تعاملات احزاب با دولت	۳۵	۲.۱۴۲۹	۱.۶۵۵
B1	نحوه تضارت آزاء و اندیشه‌ها در جامعه	۳۶	۲.۴۷۲۲	۱.۷۴۲
B2	جامعه مدنی به عنوان بستر پرورش دهنده احزاب	۳۵	۲.۸	۲.۴۵۹
B3	روحیه انزواگرایی و فردگرایی ایرانیان	۳۶	۳.۹۱۶۷	۱.۲۲۱
B4	رشد و بلوغ سیاسی و آگاهی اجتماعی جامعه	۳۶	۲.۷۵	۲.۱۳۶
B5	بافت اجتماعی حزب گریز ایران	۳۶	۳.۵۲۷۸	۱.۶۸۵
B6	تجارب تاریخی ایران از حزب	۳۶	۲.۹۱۶۷	۱.۷۳۶
B7	نقش طبقه متوسط در شکل‌گیری احزاب در ایران	۳۶	۲.۹۷۲۲	۱.۷۹۹
B8	وابستگی اقتصادی احزاب به طبقه اقتصادی قدرتمند	۳۶	۳.۳۸۸۹	۲.۳۰۲
B9	وابستگی اقتصادی احزاب به دولت	۳۶	۳.۵۵۵۶	۲.۳۱۱
B10	نهادهای جانشین احزاب (گروه‌های قومی - قبیله‌ای، حلقه‌های رفقا، هیات و ...)	۳۶	۳.۴۴۴۴	۲.۳۶۸
B11	فرهنگ فرقه‌گرایی و خویشاوندسالاری	۳۶	۳.۸۳۳۳	۱.۵۱۴
C1	احزاب دولت ساخته و نه سازنده دولت	۳۵	۳.۹۴۲۹	۱.۱۱۴
C2	وابستگی برون مرزی احزاب	۳۶	۲.۱۶۶۷	۱.۶۸۶
C3	نمابندگی گفتمانی جامعه توسط احزاب	۳۴	۲.۲۹۴۱	۱.۸۵۰
C4	خاستگاه اجتماعی احزاب	۳۶	۲.۲۷۷۸	۱.۷۴۹
C5	خاستگاه نخبگانی احزاب	۳۵	۲.۷۱۴۳	۲.۲۱۰
C6	خاستگاه مردمی احزاب	۳۶	۲.۲۲۲۲	۱.۷۷۸
C7	روداری و مدارای احزاب سیاسی با یکدیگر	۳۵	۲.۳۱۴۳	۲.۱۶۳
D1	ظرفیت رسانه‌ای احزاب	۳۵	۲.۳۱۴۳	۱.۶۹۲
D2	قائم به شخص بودن احزاب	۳۵	۳.۷۷۱۴	۱.۲۴۰

۱۸۵۷	۲۲۸۵۷	۳۵	D3	عدم شفافیت ساختار سازمانی احزاب
۲۰۶۶	۲۱۳۸۹	۳۶	D4	پاسخگویی احزاب
۱۷۱۱	۲۰۵۲۹۴	۳۴	D5	رواداری و مدارای درون حزبی
۱۸۳۰	۲۲۷۲۷	۳۳	D6	اساسنامه منسجم احزاب
۱۰۵۷۸	۲۲۷۲۸	۳۶	D7	شناسنامه و هویت احزاب
۱۷۱۸	۲۰۴	۳۵	D8	ماهیت ملی و فعالیت کشوری احزاب
۱۹۷۱	۳۰۵	۲۶	D9	فعالیت فصلی و موسمی احزاب

با برجسته‌سازی متغیرهای مؤثر، با تحلیل تأثیر متقاطع متعادل به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. این تحلیل، نوع جدیدی از تحلیل تأثیر متقاطع است که دارای ویژگی‌هایی چون فهم آسان رویه، شفافیت و انعطاف‌پذیری در کاربرد و ارزیابی نتایج است (محمدی لرد، ۱۳۹۵: ۱۱۳-۱۱۱). از این روش برای شناسایی پیشران‌های مؤثر بر فعالیت احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران استفاده شد.

در پژوهش حاضر به منظور تحلیل محاسبات پیچیده ماتریس اثرات متقاطع از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. روش این نرم‌افزار به این گونه است که متغیرهای شناسایی شده در ماتریس تحلیل اثرات وارد شده و میزان ارتباط میان آنها توسط خبرگان، تشخیص داده می‌شود. در این ماتریس متغیرهای سطرها اثرگذار و متغیرهای ستون‌ها اثرپذیر هستند. عدد صفر به منزله عدم اثرگذاری، عدد یک به منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به منزله تأثیر متوسط و عدد سه به معنای تأثیر زیاد است. P به معنای تأثیر بالقوه است. اگر متغیرهای شناسایی شده n باشد، یک ماتریس $n \times n$ داریم که در آن تأثیرات متغیرات بر یکدیگر مشخص شده است. (Asan: 2007: 635). نتایج این ماتریس در قالب نمودارهایی قابل نمایش است که جهت تأثیرگذاری هر گره بر دیگری توسط پیکان‌ها و میزان تأثیرگذاری به صورت عددی در بالای آن نمایش داده می‌شود و بر اساس موقعیت متغیرها، امکان رتبه‌بندی و استخراج عوامل کلیدی فراهم می‌گردد (Godet, 1991: 91). مطابق با شکل (۱) متغیرهای متنوعی از نمودارهای این نرم‌افزار امکان شناسایی دارند.



شکل (۱) تأثیرگذاری - تأثیرپذیری (Godet, 2008)

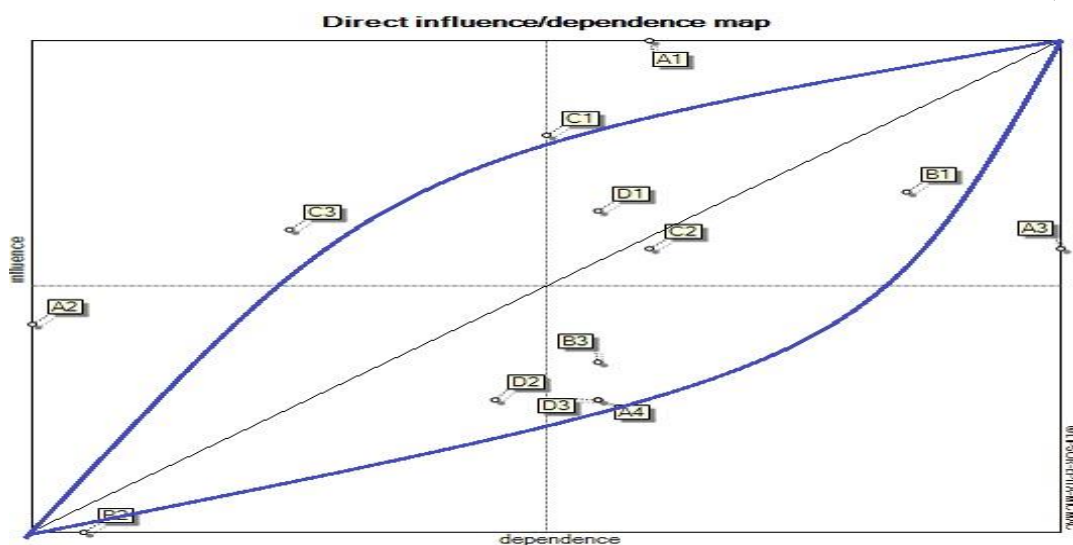
برای شناسایی پیشران‌های پژوهش حاضر، پس از شناسایی ۱۳ متغیر ماتریس ۱۳×۱۳ شکل گرفت و نسبت به کدگذاری آنها اقدام گردید. در گام بعد از خبرگان خواسته شد مطابق الگوی ارائه شده به امتیازدهی اثرگذاری و اثرپذیری متغیرها پردازند. پس از ورود اطلاعات در نرم‌افزار میک‌مک و بر اساس نتایج پایایی به دست آمده می‌توان گفت که با سه بار تکرار داده‌ها در نرم‌افزار عدد ۷۸/۱۱٪ به دست آمد که نشان ضریب بالای تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر است. اعتبار و پایایی ابزار پژوهش و دقت استناد در پایایی نتایج پژوهش و متناسب بودن و صحت پرسش‌نامه و اطلاعات به دست آمده در سطح مطلوب و بر اساس جدول شماره (۲) ارزیابی می‌گردد.

جدول (۲) ویژگی‌های ماتریس اولیه

شاخص	ارزش
اندازه ماتریس	۱۳
تعداد تکرار داده‌ها	۳
تعداد صفرها	۳۷
تعداد یک‌ها	۲۶
تعداد دوها	۳۹
تعداد سه‌ها	۵۲
تعداد Pها	۱۵
جمع	۱۳۲
شاخص پرشدگی	۷۸.۱۰۶۵۱٪

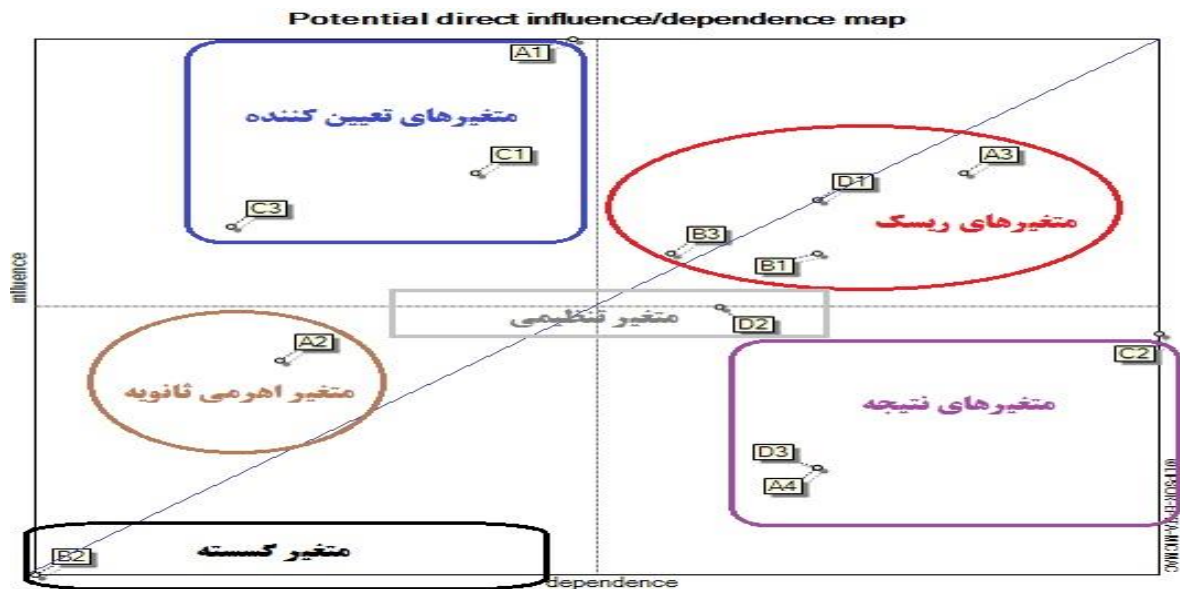
بر اساس تحلیل انجام شده توسط نرم‌افزار میک‌مک ما چهار نوع ماتریس داریم که عبارت‌اند از اثر - وابستگی مستقیم، اثر - وابستگی مستقیم بالقوه، اثر - وابستگی غیرمستقیم و اثر - وابستگی غیرمستقیم بالقوه که در آن داده‌های حاصل از تحلیل مستقیم و بالقوه متغیرها، به توان‌های ۲، ۴، ۶ رسانده شده‌اند.

بر اساس نمودار (۲) که بر اساس تحلیل سیستمی به دست آمده است می‌توان دریافت که عوامل تأثیرگذاری بر مسئله حزب در جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن نمودار تحلیل اثر - وابستگی از حالت مطلوبی برخوردار نیست و در شرایط کنونی در حالت بسیار ناپایداری قرار دارد.



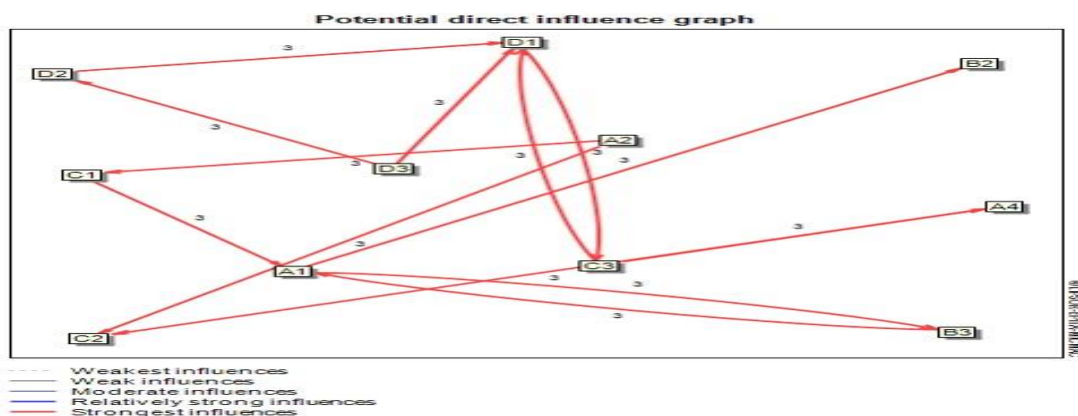
نمودار (۲) پایداری یا ناپایداری سیستم

بر اساس نوع پراکنش متغیرها در نمودار (۳) می‌توان دسته‌بندی متغیرها را انجام داد. متغیرهای تعیین‌کننده بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند این متغیرها بحرانی‌ترین متغیرها هستند. از مهم‌ترین این متغیرها به (A1) تقویت ساختار دموکراتیک قدرت، (C1) استقلال احزاب و (C3) قانونمندی نظارت بر احزاب هستند. دسته دوم متغیرها متغیرهای دوجویی (متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف) هستند که هم‌زمان بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر هستند. ماهیت این متغیرها با عدم پایداری همراه است. (A3) تقویت گفتمان حزب، (D1) تقویت ساختار احزاب، (B1) توسعه فرهنگ مشارکت و (B3) تقویت قرارداد اجتماعی از جمله این متغیرها هستند. دسته سوم متغیرها متغیرهای مستقل هستند که از سایر متغیرها تأثیر نمی‌پذیرند و معمولاً بر آنها هم تأثیر ندارند. این دسته از متغیرها در سه نوع قابل تقسیم‌بندی هستند. نوع اول متغیرهای گسسته هستند که در نزدیکی مبدأ مختصات قرار دارند که (B2) تفکیک مأموریت نهادهای جانشین از این نوع است. نوع دوم متغیرهای اهرمی ثانویه هستند که بیشتر از آن که تأثیرپذیر باشند تأثیرگذار هستند. (A2) رفع محدودیت‌های قانونی احزاب از این نوع است. نوع سوم متغیرها تنظیمی هستند که در نزدیکی مرکز نمودار قرار دارند که می‌توانند به اشکال مختلف عمل نمایند؛ مانند متغیر (D2) کادرسازی احزاب، دسته چهارم متغیرها، متغیرهای وابسته یا نتیجه هستند. (C2) تقویت سرمایه اجتماعی، (P3) غیر فصلی شدن حزب و (A4) تسهیل گردش نخبگان از جمله این متغیرها هستند.



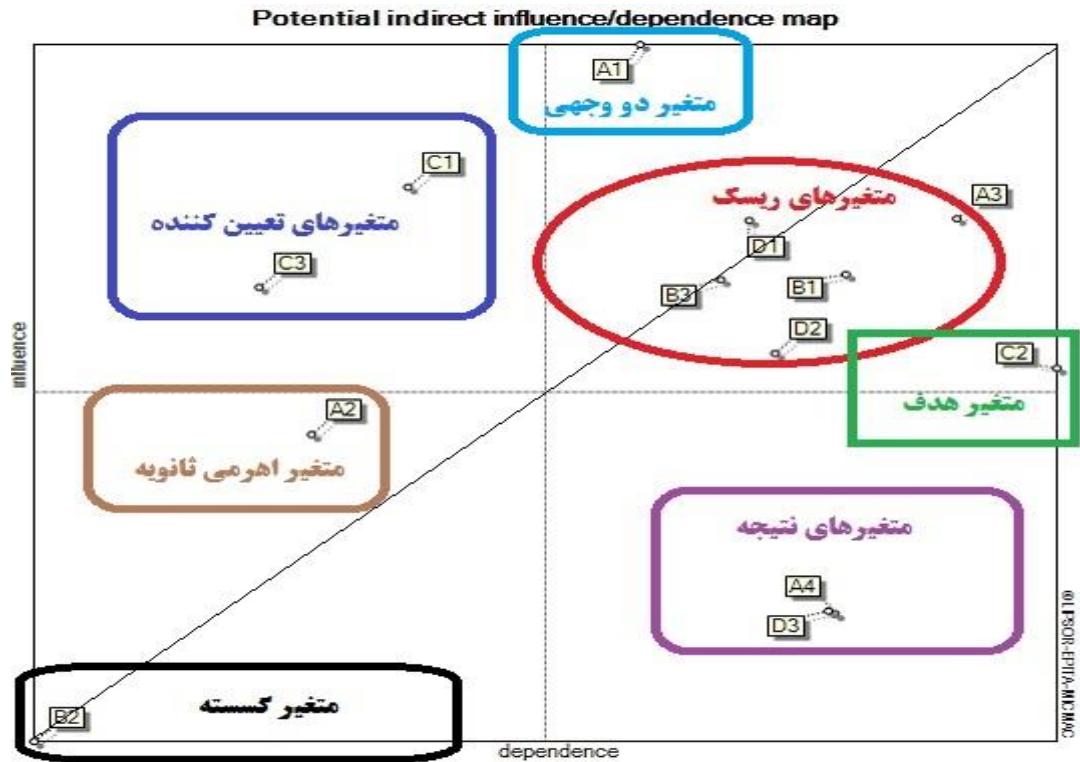
نمودار (۳) پراکنش متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری - وابستگی مستقیم بالقوه متغیرها

در شکل (۲) پراکندگی متغیرها بر اساس اثرگذاری مستقیم بالقوه و با لحاظ احتمال جابه‌جایی متغیرها نمایش داده شده است.



شکل (۲) پراکندگی متغیرها بر اساس اثرگذاری مستقیم بالقوه با احتمال جابه‌جایی متغیرها

بر اساس یافته‌های پژوهش و مطابق نمودار (۴) متغیرهای غیرمستقیم بالقوه تأثیرگذار بر حزب در جمهوری اسلامی ایران قابل‌دستیابی هستند. ویژگی این نمودار آن است که تأثیرات فعلی و آتی را به شکل مناسب‌تر به نمایش می‌گذارد و آینده‌نگرتر است.



نمودار (۴) پراکنش متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری- وابستگی غیرمستقیم بالقوه

بر اساس یافته‌های پژوهش و مقایسه نمودار (۳) و نمودار (۴)، در یک رویکرد آینده‌نگر، (A1) تقویت ساختار دموکراتیک قدرت از متغیر تعیین‌کننده به متغیر دوجهی تغییر پیدا کرده است که می‌تواند بر ناپایداری سیستم بیفزاید. متغیر (D2) کادرسازی احزاب نیز از متغیر تنظیمی به متغیر ریسک تغییر پیدا کرده است. (C2) تقویت سرمایه اجتماعی نیز از متغیر نتیجه خارج شده و در جایگاه متغیرهای هدف سیستم قرار گرفته است. سایر متغیرها جایگاه خود را حفظ کرده‌اند؛ اما با تغییر جایگاه پراکنش متغیرها، سیستم در رویکردهای آینده‌نگرتر به سمت ناپایداری بیشتر سوق پیدا می‌کند.

بر مبنای مجموعه داده‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده در پژوهش و به‌منظور زمینه‌سازی برای شناسایی پیشران‌های کلیدی مؤثر بر حزب در ایران، در این قسمت ضرورت دارد که به رتبه‌بندی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه و با احتمال جابه‌جایی متغیرها توجه شود. بر همین اساس، در جدول شماره (۳) به تحلیل اثرگذاری و وابستگی مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های پژوهش پرداخته شده است.

جدول شماره (۳) رتبه‌بندی اثر- وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بر حسب احتمال جابه‌جایی متغیرها

ردیف	شاخص	نماد	اثر مستقیم		اثر غیرمستقیم		
			اثر	اثر	وابستگی	وابستگی	وابستگی
			مستقیم	مستقیم	مستقیم	غیرمستقیم	غیرمستقیم
			بالحوه	بالحوه	بالحوه	بالحوه	بالحوه

۷۶۳	۸۶۷	۱۰۲۷	۱۱۵۴	۷۲۱	۸۴۶	۱۰۸۱	۱۲۶۹	A1	۱	تقویت ساختار دموکراتیک قدرت و آزادی‌های سیاسی
۵۳۷	۴۴۳	۷۰۴	۷۲۰	۵۲۴	۳۸۴	۶۸۸	۶۹۲	A2	۲	رفع محدودیت‌های قانونی احزاب
۹۸۲	۱۱۰۹	۸۸۳	۸۴۵	۹۸۳	۱۱۵۳	۹۱۸	۸۴۶	A3	۳	تقویت گفت‌وگو تحت نظر و نگاه مثبت مسئولان و نخبگان به فعالیت احزاب
۸۹۸	۸۲۳	۵۵۶	۵۱۰	۸۸۵	۸۰۷	۵۵۷	۵۳۸	A4	۴	تسهیل گردش نخبگان سیاسی در ساختار قدرت
۹۰۵	۱۰۲۳	۸۳۷	۹۵۳	۸۸۵	۱۰۳۸	۸۱۹	۹۶۱	B1	۵	توسعه فرهنگ مشارکت و کار جمعی
۳۴۶	۴۴۱	۴۵۰	۲۸۵	۳۶۰	۴۲۳	۴۲۶	۲۶۹	B2	۶	تفکیک ماموریت‌ها و مسئولیت‌های نهادهای جانشین
۸۱۹	۸۴۰	۸۳۲	۶۷۶	۷۸۶	۸۰۷	۸۱۹	۶۱۵	B3	۷	تقویت قرارداد اجتماعی و توجه به منافع ملی ایران
۶۰۴	۷۰۰	۹۰۹	۱۰۳۳	۶۵۵	۷۶۹	۹۱۸	۱۰۷۶	C1	۸	استقلال احزاب و تأثیرپذیری از مراکز قدرت
۱۰۵۱	۸۸۰	۷۵۹	۸۷۳	۱۱۱۴	۸۴۶	۷۲۱	۸۴۶	C2	۹	تقویت سرمایه اجتماعی و

توسعه نهادهای جامعه مدنی									
۵۰۱	۶۰۷	۸۲۶	۸۵۳	۴۹۱	۵۷۶	۸۵۲	۸۸۴	C3	۱۰ شفافیت و قانون مندی در نظارت بر فعالیت احزاب
۸۳۹	۷۹۰	۸۸۱	۹۲۲	۸۸۵	۸۰۷	۸۸۵	۹۲۳	D1	۱۱ قانونمندی، سیستم سازی و تقویت ساختار احزاب
۸۵۶	۷۱۴	۷۷۱	۶۰۹	۸۱۹	۷۳۰	۷۵۴	۵۳۸	D2	۱۲ کادرسازی و تربیت نیروی انسانی توسط احزاب
۸۹۳	۷۵۷	۵۵۸	۵۶۱	۸۸۵	۸۰۷	۵۵۷	۵۳۸	D3	۱۳ استمرار فعالیت و غیر فصلی شدن آن‌ها

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش و نظر به نتایج مندرج در جدول شماره (۳)، فهرست پیشران‌های کلیدی مؤثر بر فعالیت احزاب سیاسی در دوره جمهوری اسلامی مطابق جدول شماره (۴) و به ترتیب اولویت قابل دستیابی هستند.

جدول شماره (۴) فهرست پیشران‌های کلیدی مؤثر بر حزب (اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم)

ردیف	عنوان	نماد
۱	تقویت ساختار دموکراتیک قدرت و آزادی‌های سیاسی	A1
۲	تقویت گفتمان حزب و نگاه مثبت مسئولان و نخبگان به فعالیت احزاب	A3
۳	تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه نهادهای جامعه مدنی	C2
۴	استقلال احزاب و تأثیرپذیری از مراکز قدرت	C1
۵	توسعه فرهنگ مشارکت و کار جمعی	B1
۶	تسهیل گردش نخبگان سیاسی در ساختار قدرت	A4
۷	قانونمندی، سیستم سازی و تقویت ساختار احزاب	D1
۸	شفافیت و قانون مندی در نظارت بر فعالیت احزاب	C3

به‌طور خلاصه، در انجام این پژوهش ۳۴ متغیر مؤثر بر حزب در جمهوری اسلامی شناسایی شد و در قالب پرسش‌نامه مورد ارزیابی خبرگان قرار گرفت و فارغ از تأثیرگذاری مثبت یا منفی هر یک از این متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری طبقه‌بندی گردید. ۱۳

متغیر دارای بیشترین اثرگذاری در قالب پرسش‌نامه اثرات متقاطع متعادل مورد ارزیابی مجدد خبرگان قرار گرفت. سپس این متغیرها کدگذاری شده و به‌عنوان داده وارد نرم‌افزار میک‌مک گردید. پس از آنالیز و تجزیه تحلیل داده‌ها ۸ پیشران کلیدی مؤثر بر فعالیت احزاب در دوره جمهوری اسلامی شناسایی گردید. تقویت ساختار دموکراتیک قدرت و توسعه آزادی‌های اساسی، تقویت گفت‌وگو با حاکمیت و نگاه مثبت مسئولان و نخبگان به فعالیت احزاب به همراه تسهیل گردش نخبگان سیاسی در ساختار قدرت در قالب نقش عوامل حاکمیتی قابل‌دسته‌بندی هستند. دسته دوم پیشران‌ها مرتبط با تعاملات احزاب با جامعه، حاکمیت و دیگر احزاب هستند که عبارت‌اند از: تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه نهادهای جامعه مدنی، استقلال احزاب و تأثیرناپذیری از مراکز قدرت و در نهایت شفافیت و قانونمندی در نظارت بر فعالیت احزاب. در حوزه عوامل فرهنگی، اجتماعی، پیشران توسعه فرهنگ مشارکت و کار جمعی قرار دارد و در حوزه عوامل درون‌حزبی قانونمندی، سیستم‌سازی و تقویت ساختار احزاب به‌عنوان پیشران شناسایی گردید.

۶- راهکارها و راه‌حل‌های سیاسی برای توسعه حزبی

نظام حزبی در ایران به دشواری‌ها و معضلات گوناگونی دچار است که در این پژوهش با استفاده از یک رویکرد آینده‌پژوهانه تلاش شد تا متغیرها و پیشران‌های اثرگذار بر آینده نظام حزب در ایران مورد شناسایی قرار گیرد. با توجه به این پیشران‌ها می‌توان راهکارها و راه‌حل‌هایی را برای اصلاح و ترمیم این وضعیت پیشنهاد کرد:

از دیدگاهی کلان‌نگرانه می‌توان به تلاش برای تقویت رویکردهای دموکراتیک در نظام سیاسی اشاره کرد. تقویت گفت‌وگو با حاکمیت و نگاه مثبت مسئولان و نخبگان به فعالیت احزاب مستلزم این است که ساختار سیاسی، فعالیت احزاب سیاسی در چارچوب‌های تعریف شده را به رسمیت شناخته و از آن‌ها تجلیل کند. تسهیل گردش نخبگان و اجازه نقش‌آفرینی به شایستگان جوان و کارآمد، از یک سو نظام حزبی را به بدنه جامعه مرتبط و نزدیک می‌سازد و از طرف دیگر می‌تواند رویه‌های دموکراتیک را در کشور تقویت سازد.

از دیدگاهی میانه‌گرا، تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه نهادهای جامعه مدنی توسط احزاب سیاسی به‌عنوان راهکار پیشنهاد می‌شود. احزاب سیاسی، به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه مدنی وظیفه مهم جامعه‌پذیری سیاسی را برعهده دارند. آن‌ها با فعالیت‌های قانونمند و شفاف، نهادهای واسط میان حاکمیت و مردم عادی هستند و می‌بایست با رواج روحیه تساهل‌گرایانه و اجازه نقش‌آفرینی به همه افراد و گروه‌ها زمینه را برای تقویت ساختارهای دموکراتیک فراهم آورند. شکل‌گیری نهادهای کوچک محلی وابسته به احزاب سیاسی، در محله‌ها و نقاط مختلف شهری روشی است که بسیاری از نظام‌های موفق حزبی برای افزایش اعتماد سیاسی شهروندان و افزایش مشارکت سیاسی مردم از آن بهره گرفته‌اند.

از دیدگاهی خردنگرانه، شهروندان و جامعه می‌بایست مشکلات و ضعف‌های سیستم سیاسی در ابعاد مختلف را با استفاده از رویه‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک حل و فصل کنند. اصلاح نظام حزبی در آینده سیاسی ایران، تنها با تغییر و تقویت ساختارهای سیاسی از بالا امکان‌پذیر نیست، مادامی که مردم و شهروندان رویه‌های دموکراتیک و مشارکت سیاسی از طریق احزاب سیاسی را به رسمیت نشناسند، به نظر می‌رسد حل دشوار احزاب سیاسی و توسعه آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری

احزاب سیاسی به‌عنوان شکل‌دهنده به سرمایه‌های نمادین سیاسی یک جامعه تشکیل‌دهنده یکی از قدرتمندترین حلقه‌های نهادهای جامعه مدنی هستند که به‌عنوان سرپل‌های ارتباط ملت و دولت عمل می‌کنند. اگر با توجه به پیشران‌های مؤثر بر فعالیت احزاب آن‌ها را در چهار ضلع یک مربع یعنی ساخت سیاسی، ساخت فرهنگی و اجتماعی، ساخت احزاب و تعاملات میان احزاب با دولت و جامعه دسته‌بندی کنیم، تحول در همه این اضلاع برای توسعه و رونق‌یافتن فعالیت احزاب ضرورت دارد. امری که تحقق آن به اجرای برنامه‌ای بلندمدت و مستمر وابسته است. مهم‌ترین پیشران‌های این حوزه مرتبط با ضلع ساختار قدرت و نوع نگاه حکومت به مسئله احزاب است؛ بنابراین گام اساسی جهت توسعه این بخش از نهادهای جامعه مدنی، گذار حکومت از فعالیت‌های حزب ستیز و حزب‌گریز و به‌رسمیت‌شناختن و فراهم‌آوردن امکان گردش نخبگان در ساختار قدرت از طریق احزاب سیاسی و شایسته‌سالاری است. اما این

به‌تنهایی برای فعال‌شدن مستمر احزاب کافی نیست. اصلاح در دیگر ابعاد نیز ضرورتی اساسی است. به‌ویژه ساختار احزاب که با تحول در این ساختار و اصلاح روابط آنها با حاکمیت، جامعه و دیگر احزاب، و فعالیت در ساختاری مستقل، شفاف، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو می‌توان به اعتماد به فعالیت‌های احزاب امید داشت و رونق فعالیت حزبی را مشاهده نمود. درنهایت، ساختار فرهنگی و اجتماعی با توسعه فرهنگ مشارکت و کار جمعی، ترویج قانون‌مداری و پایبندی به قانون، سیستم‌سازی و ترویج گفت‌وگو مشارکت بر بستر ساختارهای حزبی و مدنی می‌تواند زمینه‌های پذیرش و حمایت فعالیت حزبی در جامعه را فراهم سازد و امکان رشد فعالیت‌ها در چارچوب احزاب و نهادهای مدنی را تقویت نماید.

منابع

- اتحادیه، منصوره و دیگران (۱۳۷۸). «عوامل عدم رشد حزب در ایران»، فصلنامه یاد، شماره ۵۴، ۵۶، ۵۵، ۵۳-۷۹.
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی تاریخچه، اهداف و دانش علوم‌انسانی برای عصر جدید، جلد اول. مصطفی تقوی و محسن محقق. تهران: نشر مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- تبریز نیا، حسین (۱۳۷۷). برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران: نشر سیاوش.
- حسدین پور، سیده فاطمه (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی ناپایداری فعالیت احزاب در ایران (دوره پس از انقلاب اسلامی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم‌انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، جلد یک، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- رضائی، حسن (۱۳۸۱). «موانع تکوین و گسترش فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دوره پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی.
- سالمی قمصری، مرتضی (۱۳۸۶). «موانع فرهنگی حزب در ایران (دوره اول حزب)»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۷: ۷۱-۳۹.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۲). «دوره‌های حزب در تاریخ معاصر ایران»، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۲۵: ۵۹-۴۶.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۹). مبانی علم سیاست، تهران: نشر نی.
- فاضلی، اشرف‌السادات؛ عنایتی شبکلائی، علی؛ نجف‌زاده، مهدی (۱۳۸۸). «بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶، شماره ۱: ۱۵۵-۱۳۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸)، مجلس بازننگری قانون اساسی.
- قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی (۱۳۹۴)، مجلس شورای اسلامی.
- قلجی، حسین و موسوی‌فرد، بابک (۱۳۹۳). «بازشناسی علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران بر اساس نظریه مبنایی Grounded Theory»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۹: ۶۶-۴۳.
- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۹۲). نیروی سوم و جامعه سوسه‌یالیست‌ها با مطالعه اجمالی تاریخ حزب در ایران، تهران: نشر چاپخش.
- مدیر شانه‌چی، حسن (۱۳۷۹). «حزب و توسعه سیاسی در ایران مطالعه موردی ادوار اول و دوم حزب»، فصلنامه دانش و توسعه، شماره ۱۱: ۲۴-۱۱.

-مسعود، زهرا؛ منصورزاده، محمدباقر (۱۳۹۴)، «نقش، طبقه متوسط جدید بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران».

فصلنامه سیاست دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۱۰۰: ۷-۸۳.

-مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داوود (۱۳۹۰) «احزاب و توسعه سیاسی در ایران: چالش‌ها در راهکارها» نشریه پژوهش‌های سیاسی،

شماره ۲: ۱۲۶-۱۰۷.

-محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

-نقیب‌زاده، احمد؛ سلیمانی، غلامعلی (۱۳۸۸). «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (براساس رویکرد

هانتینگتون)»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴: ۳۴۷-۳۶۷.

-مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داوود (۱۳۹۰)، «احزاب و توسعه سیاسی در ایران: چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی،

شماره ۲: ۱۲۶-۱۰۷.

-هرسیج، حسین (۱۳۸۰). «فراز و فرود فعالیت‌های حزبی در ایران پس از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه انقلاب اسلامی، شماره

۸ و ۷: ۲۵-۶.

-آیت‌الله خامنه‌ای سیدعلی (۱۳۹۶). خطبه‌های نماز جمعه تهران، بازیابی شده در ۱۴۰۰

<https://Farsi.khamenei.ir/newsparb-index?bid=1127&P=2>

-آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی. بازیابی شده

در ۱۴۰۰

<https://Farsi.khamenei.ir/newsparb-index?tid=1127&P=2>

Asan, S. S. (2007). Qualitative Cross-impact analysis with time consideration, *Technological Forecasting and social change*, Vol 74, PP 627-644.

Boroujedi, M., & Rahimkhani, K. (2018). *Postrevolutionary Iran, A Political handbook*, Syracuse University Press.

Godet, M. (1991). *From anticipation to action*, Paris: UNESCO publishing.

Godet, M. (2008). *Strategic foresight*, Paris Lipsor Working paper.

Alam, A. (2000). *Fundamentals of political science*, Tehran: Ney. [In Persian]